ترجمه های ترکی سخنان علی (ع)

هادی، اسماعیل

NEHCOUL\_BELAGA نهج البلاغه این درّ یتیم از سده آغازین اسلام تا کنون هماره اوج و حرمت خود را نگاه داشته است و تمامى مسلمانان همچون گوهرى گرانسنگ آن را عزیز داشته‏اند.اعراب بیشتر به پاس زیبایى‏هاى ادبى و دیگر مسلمین به خاطر اندیشه والاى مکنون در این کتاب. براى ترکان، هم فضایل انسانى و صفات مردانه مولا جذبه خاصى دارد و هم اندرزها و سخنان جان نواز او. ستایش مردانگى در فرهنگ ترکى سابقه طولانى و ریشه عمیق دارد.هر اسطوره‏اى آکنده از نصایح اخلاقى و جلوه جوانمردى و سرفرازى قهرمان داستان است که به صورت شعر حماسى و یا سرود پند گونه در جاى جاى قصه‏هاى مردمى نمایان است.

على ع هم در زمینه فکرى و قومى و هم در زمینه اعتقادى ترکان ریشه دارد و با جان و اندیشه آنان درهم آمیخته است.تدریس شفاهى نهج البلاغه گذشته از مساجد و منابر و هیئت‏هاى هفتگى در کلاسهاى خصوصى و منازل از قدیم در آذربایجان و دیگر مناطق رواج زیادى داشته و دارد و تدریس آن گاه به صورت موعظه و گاه به صورت دبستانى و حلاجى ادبى است. در زمینه شرح تفسیر این کتاب بزرگ، از جانب ترکها هم مثل سایر مسلمین چه به زبان عربى و چه به زبان فارسى کارهاى چشمگیرى صورت گرفته است.در مورد ترجمه‏هاى ترکى نهج البلاغه هم اطلاع دقیقى در دست نیست چه، خدا مى‏داند چه تعداد از این کتاب در کتابخانه‏هاى شخصى و عمومى به صورت خطى و یا چاپى وجود دارد و متأسفانه حتى براى تحقیق در زمینه محدودتر هم بخت با من یار نبود.لذا در این مقاله بیشتر به گزارش استاد گلپینارلى تکیه کرده‏ام.

\*

قدیمى‏ترین ترجمه‏ها از سخنان على ع ترجمه‏اى است که على غالب سپاهى‏زاده به صورت تک بیتى از کتاب بدرت المعالى فى ترجمه اللئالى نموده است. بدرت المعالى را از کتاب نثر اللئالى که حاوى اشعار منسوب به حضرت على ع است ساوجى زاده(متوفى 738 ه.ق)بر وزن«مفاعلن، مفاعلن، مفاعلن»به فارسى منظوم ترجمه و نگاشته است.

ترجمه بدرت المعالى با خط محمد، نخجوان زاده در سال 1315 هجرى در مطبعه عثمانیه به چاپ رسیده است.

عبد اللطیف لطیفى(متوفى 990 ه.ق)نویسنده کتاب تذکره-که حاوى اطلاعات مفیدى از زندگى شعرا از سده دوم هجرى تا زمان نویسنده است-نثر اللئالى را با نام نظم الجواهر به صورت منظوم به ترکى ترجمه کرده است.

فتحعلى عثمانزاده(متوفى 1274 ه.ق)40 سخن از کلمات قصار مولا را با نام ترجمه کلام اربعین على ع گزیده و به ترکى برگردانده است.این عالم عارف، از شاخه شعبانیه فرقه صوفى مسلک«خلوتیه»و مرید ابراهیم قوشادالى بوده است.

خالص محمد که کتابخانه‏اش بخشى از کتب اهدایى دانشگاه استانبول را تشکیل داده است گزیده‏اى از غرر الحکم آمدى را ترجمه و در دفتر 52 صفحه‏اى و با قطع کوچک گرد آورده است.این دفتر با چاپ سنگى چاپ شده است.یکى از شیخهاى خانگاه «ینى قاپى»شیب یوسف ده ده، نثر اللئالى را با نام هفت رشته جواهر بازنویسى کرده است.وى ترجمه کلمات و تحلیل واژگان عربى را با اشعار عربى و فارسى و اشعار خود درهم آمیخته و اثرى نو پدیده آورده است. رشته جواهر در سال 1257 در استانبول در مطبعه تقویم وقایع چاپ شده است.

از اعضاى هیئت علمى«مجلس کبیر معارف» مصطفى وهابى‏زاده 100 سخن از کلمات قصار على ع با نام محصول العالى فى کلمات على ع ترجمه و جنبه‏هاى صرفى و نحوى آن را مورد توجه قرار داده است.این اثر در 1288 در مطبعه امیریه چاپ شده است.

قاضى محکمه شرع مانیسا بدرت المعالى را با نام ملا صد الحکم به ترکى شرح کرده و براى توضیح از اشعار مثنوى بهره جسته است.این کتاب در 1298 به صورت سنگى چاپ شده است.همان شخص 100 کلام از سخنان مولا را به دستور یکى از شیوخ خانگاه مانیسا انتخاب و شرح کرده و با نام شمة الاسرار به خط یک مانیسایى به نام محمد طاهر دوبار با چاپ سنگى به طبع رسانده است.

الف.جودت-معلم ادبیات و عقاید مدرسه برهان ترقى استانبول-27 کلمه قصار مولا را با نام کلیات امام على ع-قسمت اول-به فارسى و ترکى منظوم ترجمه و سپس شرح کرده است.

وى ضمن وعده نشر 6 جلد دیگر از سخنان مولا، بناى کار خود را صد کلمه عبد الله هروى اعلام کرده است ولى انتساب چنین کتابى به هروى روشن نیست. کتاب الف.جودت مطبوع است و یک بار هم با حواشى شخصى به نام جمالى با حروف جدید در سال 1286 به‏ چاپ رسیده، در این چاپ اخیر متن فارسى کتاب به جامى نسبت داده شده است.

معلم ناجى حکمت نیز 283 سخن حضرت امیر ع را همراه با متن عربى با نام امثال على ع در سال 1303 در مطبعه ابو ضیاء استانبول به چاپ سنگى رسانده است.

محمد جلال الدین فرمان حضرت على ع را به مالک اشتر به صورت 2 ستون-ستون اول متن عربى و ستون دوم ترجمه ترکى، با عنوان شرح عهد نامه على ع تنظیم و در سال 1304 در مطبعه شرکت مرتبیه استانبول به چاپ سپرده است.

احمد مختار همراه با زیستنامه حضرت على ع ترجمه عهد نامه مالک اشتر را در یک کتاب 192 صفحه‏اى با عنوان خاندان سید البشر ائمه اثنى عشر به چاپ رسانده است.چنانکه از نام کتاب هم پیداست، از این کتاب جلدهاى دیگرى نیز که حاوى زندگى دیگر امامان شیعه بوده مى‏بایست منتشر مى‏شد ولى تنها جلد اول آن در سال 1327 در مطبعه احمد ساقى بگ در استانبول چاپ شده است.

ترجمه دیگرى از عهدنامه مالک اشتر به وسیله محمد عاکف ارسوى با عنوان حضرت على نین بیر دولت آدامینا امیر نامه سى(فرمان حضرت على ع به یک دولتمرد)منتشر شده و سه بار از جانب دیانت ایشلرى‏[وزارت؟]امور دینى در مطبعه آى-یلدیز در سال 1959 چاپ شده است.یک بار هم به سال 1963 از طرف انتشارات دوغان گؤنش یایین ائوى چاپ شده است.

در موزه مولانا در قونیه، کتابى خطى با شماره فیش 650 نگهدارى مى‏شود که ترجمه‏اى زیبا از کتاب صد کلمه چهار یار گزین‏[برگزیده‏]رشید الدین و طواط است.آغاز این کتاب با عنوان احادیث نبوى و صد کلمه چهار یار گزین است و بخش پایانى کتاب پس از شرح حال و ترجمه 100 سخن از خلیفه سوم با درج عنوان کتاب مطلوب کل طالب من کلام على ابن ابى طالب در پاى آخرین برگ مى‏آغازد که از همان جا به بعد ناقص است و ظاهرا بقیه از بین رفته است.این اثر زیباى خطى، به ویژه از دیدگاه زبان شناختى حائز اهمیت چشمگیرى است.

ترجمه مفصلتر از سخنان مولا توسط مرحوم پروفسور عبد الباقى گلپینارلى صورت گرفته است.وى در(1940.م)54 خطبه، یک وصیتنامه مولا به امام حسن ع، عهدنامه مالک اشتر، 17 فرمان و نامه و وصیتنامه، 44 کلمه قصار، 48 شعر همراه با شرح زندگى پیشواى آزادگان على ع را توسط انتشارات امک باسیم-یایین ائوى(چاپ و نشر امک)و در آنکارا با عنوان امام على نین بویوروقو(کلام امام على)ع منتشر کرد که در همان سال نخست چاپ تمامى نسخه‏هاى کتاب به فروش رفته است.

کار دیگر استاد گلپینارلى ترجمه کامل نهج البلاغه همراه با چند گزیده دیگر از غرر الحکم آمده است.این کتاب که مقدمه آن منبع عمده این مقال نیز هست در سال 1390 هجرى ترجمه و در سال 1401 با حروف لاتین از سوى انتشارات انصاریان قم منتشر شده است.

گلپینارلى در این ترجمه ترتیب تازه‏اى از نهج البلاغه به دست داده است و آن را کلا به چهار قسم تبویب کرده است.بخش اول و دوم شامل خطبه‏ها، بخش سوم نامه‏ها و بخش چهارم کلمات قصار و حکم که البته این تقسیم نسبى است.سرخط هر خطبه‏اى به خط عربى و از نهج البلاغه مغفور له دکتر صبحى صالح لبنانى کلیشه شده است.چاپ کتاب داراى اغلاط مطبعى است و روح ادبى نهج البلاغه به حد کفایت مورد عنایت مترجم نبوده و به ترکى عثمانى امروزه و به زبان متداول و عامى است.

در ایران هم اخیرا ترجمه‏هاى اجمالى از کلمات قصار مولا در مجله ماهانه«وارلیق»به قلم نویسنده‏اى به نام ضیاء شاکر و بازنویسى منظورى خامنه‏اى یکى از نویسندگان آن مجله به چشم مى‏خورد.ترجمه‏هایى نیز در برخى شماره‏هاى همان مجله از جانب صاحب امتیاز مجله دکتر جواد هیئت به چاپ رسیده است.

نگارنده امید دارد با عنایت به فقه اللغه دو زبان عربى و ترکى کار خود را بیآغازد و در حد امکان از شاخصهاى لهجه‏اى بکاهد و کتاب براى همه مسلمین ترک زبان مفید بوده و ارزش وسیعتر داشته باشد.

و در همین جا فرصت را غنیمت شمرده به سازمان تبلیغات اسلامى پیشنهاد مى‏کند که کتابها و مجلاتى که به ترکى منتشر مى‏کنند به خط عربى چاپ کنند نه به خط لاتین.البته همراه با مقدمه‏اى شامل روش قرائت و غیره.همچنین کتابهاى راهنماى حاوى نحوه قرائت و کتابت خط عربى چاپ و منتشر سازند.خط لاتین گذشته از آن که براى همه مسلمین ترک قابل استفاده نیست خط بیگانه و تحمیلى و نشان بارز تسلط دشمنان فرهنگ ماست و خود ترکان واقع بین هم آن را قبول ندارند.

پى‏نوشت:

(\*).مرحوم پروفسور گلپینارلى از علویان ترکیه است.او مردى عالم و متدین بود و عمیقا درد دین داشته است این مرد بزرگوار مثنوى شناس فرهیخته نیز بوده است.در مورد کلمه گلپینارلى اشاره مى‏کنم واژه پینار[مثل چنار بخوانید]در اسامى افراد و مناطق ترکى به چشم مى‏خورد و در کتاب ده ده قور قور نیز آمده است به معناى «چشمه سار»مى‏باشد.در نزدیکى قصبه«ملک کندى»(ملکان)از توابع مراغه روستایى به نام«آغ مینار»وجود دارد که ظاهرا آغ پینار(چشمه سفید)باید باشد که در تلفظ عامى م به پ تبدیل شده است. مى‏گویند در کنار این روستا چشمه سار زلال و جوشانى وجود دارد.